





وفات اسوہ
صبر و استقامت حضرت
زینب کبری (سلام اللہ علیہا) تسلیت باد

یا زینب کبریٰ

یازینہ

یا زینب کبریٰ

یا زینب



جلسه سوم « اعتكاف » ۲۸ بهمن ۱۴۰۰

قرآن برای بانوانِ مؤمن،
« ۶ تکلیف » معین کرده:

تکلیفِ اول:



وَقَرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ

....(أحزاب/۳۳)

و (شما بانوان منتسب به نبوت)

باید در « خانه‌هایتان » استقرار داشته باشید ...

« **قَرْن** » (فعل أمر است) یعنی:

بانوان « **مجاز** » به رفت و آمد در جامعه هستند،

اما « **قرارگاه** » و « **جایگاه** » اصلی آنها

باید « **بیت** » باشد. (مثل: محل کار تمام مسئولین.)

و « **بیت مادر** »، « **بیت زن** » محسوب نمی شود.

پس « کار بیرون » برای بانوان، « ممنوع » **نیست**،

و ممکن است « **جامعه** » در عرصه‌های مختلف،

به فعالیت بیرونی بانوان، « **نیازمند** » باشد،

اما « **مأموریت اصلی** » بانوان کار دیگری است،

و بانوان « **نیاز ذاتی** » به « **دیده شدن** » ندارند.

چرا بانوان باید «یت» داشته باشند؟

زیرا خداوندِ علیمِ حکیم،

از صاحبانِ « **رَحِم** انسان ساز »،

انتظار دارد که

« **پیت** انسان پرور » هم داشته باشند.

« **بیت** »،

محلّ: آموزش، سخنرانی، نصیحت کردن، غر زدن، عیبجوئی،

ایرادگیری، انتقاد، فتوا دادن، کلاس اخلاق، ... « **نیست** »،

بلکه محلّ « **آرامش بخشی** » در « **روز** »،

و شارژکننده « **معنویت** » در « **شب** » است.

تکلیفِ دوم:



وَلَا تَبْرَحْنَ

تَبْرَحِ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَى

... (أحزاب/ ۳۳)

و (شما بانوان مؤمن) مثلِ جاهلیتِ اول (برای نامحرمان) خودنمایی نکنید ...

پس « **تکلیف دوم بانوان مؤمن** » اینست که:

از « خودنمائی » و « بدن نمائی » پرهیزند،

و « **جذائیت‌های** دلربای خدادادی » خود را

فقط برای « **مأموریت آسمانی** » خودشان،

یعنی: « **جهاد همسر داری** » به کار گیرند.

تکلیفِ سوم:



۶- وَاَقِمْنَ الصَّلَاةَ

.... (أحزاب/۳۳)

... و (شما بانوان باید) «صلوه» را «إقامه» کنید

«إقامة نماز» چه «ضرورتی» دارد؟

تمام « گیاهان » (مثل خوشه‌های جو و گندم)،

با « قطع » ارتباطشان با « آب و نور » (؟؟؟)

« خُشک و زرد » می‌شوند،

و قابلیتِ « سوختن » پیدا می‌کنند.

انسان نیز در « **مزرعه دنیا** »،

اگر ارتباطش با « **آب و نور** » (عقلانیت و معنویت) **قطع**»،

و به موقع « **إحیا** » نشود و به « **گُل** » بودن نرسد،

و اگر « **روح الهی** » خودش را شکوفا نکند،

حتماً لایقِ « **آتش** » می‌شود.

سَيَذْكُرُ مِنْ يَخْشَى (۱۰)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)

الَّذِي يَصُلَّى النَّارَ الْكُبْرَى (أعلى/۱۲)

آنکه می ترسد زود به یاد می آورد * و فرد بی مقصد، از آن می گریزد.

همان^{۲۲} که در آتش بزرگِ (جهالت و حسادت و شرارت و رذالت ...) می سوزد.

قرآن،

این « آتش پذیر » شدنِ بشر را

با « صَلَّی یَعْلٰی » بیان می کند:

اَصْلَوْهَا الْيَوْمَ

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (يس/٦٤)

به²⁴ (جُرْم) آنکه « خودپرستی » می کردید اکنون با آن بسوزید.



تنها «**راه** رهائی» از هر «**آتش**»،

«**صَلَّى يُصَلَّى صَلَاةً**»

و «**تَوَجَّهَ**» به «**خالق**» است.

« نماز » مثل چیست؟

« نماز »، مثلِ « قطب نما » و « مکان نما »،

در « هواپیما و کشتی » و در « گاوِشی ها » است،

که در این « دنیائی » که: « حقّ و باطل »،

و « واقعیت و حقیقتِ » در آن « شبیه » هم اند،

« بدون آن »، هیچ « هدایتی » ممکن نیست.

« فقط نماز » می‌تواند به « انسانِ اسیرِ دنیا »،

« نگاهِ آسمانی » و « رویشِ دائمی (فلاح) » بدهد،

و او را از « تعلّق و بازی » با « مخلوق »،

و از « آتشِ (غفلت، جهالت، حسادت، رذالت، خباثت، شرارت ...) » بازدارد،

و به « قُربِ خالق » و « حیاتِ طیبه » برساند.

که اگر « نماز »،

« آگاهانه » و « عاقلانه » اقامه شود،

به نحوی که « نفسانیت » را مهار کند،

انسان را از « فحشاء و منکر » حفظ می کند:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ^{۱۳} إِنْ ^{۱۴} الصَّلَاةَ ^{۱۵}

اَنْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

تَنْهَى ^{۱۶} عَنِ ^{۱۷} الْفَحْشَاءِ ^{۱۸} وَالْمُنْكَرِ ^{۱۹}

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنكبوت / ۴۵)

وَأَنْ «نَمَازِ خَاص» رَاقِمَه كُن،
آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان

۳۱ زیرا نماز، از «فحشاء و منکر» باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.

با اینکه هر « فعلی » زنان را هم شامل می‌شود،

چرا « **فرمان**ِ إِقَامَةُ نَمَازِ »،

در « آیه: ۳۳ سورهٔ احزاب »

فقط به « **بانوان** » است؟

چون **اولاً:** « **صراطِ** » زندگی انسان،

بسیار « **باریک** و **بُرُنْدَه** »،

و فضای « **جامعهٔ بشری** »،

(به خاطر انواع مزخرفات دنیوی و عوامل محیطی و ابتلائات و دشمنان و شیاطین)

بسیار « **لغزنده** » و « **فریبنده** » است.

ثانیاً: « **بیت** »، سرچشمهٔ « پیدایش »:

« **جامعه** و **محبت** و **آرامش** و **نشاط** »،

و مناسب‌ترین « **مکان** »، برای:

تفهیم « **معنا** و **مبانی** **زندگی** » است.

و « **بیت** » با مدیریتِ جذّابِ « **بانوان** »،

« **تنها ارگانی** » است که می‌تواند

مانعِ « **غفلت** و **جهالت** و **انحراف** » افراد شود،

و « **نگاه مردان** » را « **آسمانی** » کند،

و از آنها « **مهاجر** **إلی الله** و **رسوله** » پیرورد:

وَمَنْ يَخْرُجْ

« مِنْ بَيْتِهِ »

مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ (نساء/١٠٠)

پس « **إقامة نماز بانوان** »،

« **بهترین راه تطهیر خانواده و جامعه** »،

و « مؤثرترین عامل رشد و اصلاح » افراد،

و « زمینه‌ساز **ظهور** آخرین حجّت الهی »،

و تحقق « **تمدن اسلامی** » است.

اگر ابتدا « بانوان » با إِقامَةُ « مفاهیم نماز »،

مجهّز به « **جهت نما** » شوند،

مردان و زنانِ جامعه « **راه حق** » را گم نمی کنند،

و با هجوم دشمن، « **مُنفعل و آسیب پذیر** » نمی شوند.

(و شاید به همین خاطر « دخترها » ۶ سال زودتر نمازخوان می شوند.)

تکلیفِ چہارم:



۴- و آتین الزکاه

.... (أحزاب/۳۳)

... و (شما بانوان باید) زکات را بپردازید ...

تمامِ امکاناتِ مادی و معنوی انسان،

« امانتِ الهی »،

برای « بازگشت » بسوی خود اوست.

پس برای تقرُّب به او باید آنها را « ابراز » کنیم،

تا « وسعت » پیدا کنیم و آنها، « تازه » شوند.

پس به « هر چیزی » که

« عاقلانه » و « مؤمنانه »

از خودمان « جاری » می کنیم،

تا لایقِ « تقرب^س » به بارگاه « حق^س » شویم،

« زکات » گفته می شود.

چه « چیزهایی »، « زکات » دارند؟

« **لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ**
وَزَكَاةُ الْعِلْمِ **نَشْرُهُ** »

« **لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ**
وَزَكَاةُ الْعَقْلِ **احْتِمَالُ الْجَهْلِ** »

عَلَى كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ بَدَنِكَ

زَكَاةً وَاجِبَةً لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ

بَلْ عَلَى كُلِّ شَعْرَةٍ بَلْ عَلَى كُلِّ لَحْظَةٍ

خدا برای هر جزء بدن تو بلکه بر هر تار مو و هر لحظه،

زکاتی را واجب کرده است.

پس چرا « زکات » در رساله‌ها
فقط « ۹ مورد » گفته شده؟

« تشخیص حدّ نصاب »:

گندم ، جو ، خرما ، کشمش و « طلا ، نقره »

و « شتر ، گاو ، گوسفند » را « شرع » تعیین کرده

ولی « تشخیص حدّ نصاب » چیزهای دیگر،

به « عقل و معرفتِ خود افراد » واگذار شده است.

« زکاتِ » بانوان چیست؟

شاید « **زکاتِ بانوان** » اینست که:

با « **جاری** » کردن ظرفیتهای « **عاطفی** و **جذاب** » خود،

(مثل: مهربانی، آراستگی، پاکیزگی، چهره خندان، شیرین زبانی، دلربائی، تشویق نکات مثبت و ...)

زمینه « **آرامش** » و « **انگیزه** زندگی مفید » را

برای « **همسر** » (و خانواده) خود فراهم آورند،

و « **اراده** و **ایمان** و **تعهد** » آنها را « **تقویت** » کنند.

ضمناً « بانوان مؤمن » باید بتوانند با:

« هدایتِ نامحسوس و تشویقِ آمیز » خود،

« اراده و معرفت و انگیزهٔ **زکات دادن** » را

در « همسر و خانوادهٔ » خود نیز « تقویت »،

و زمین⁵⁰ه و شرائطِ « **وارستگی** » آنها را هم مهیا کنند.

پس خداوند از « **بانوان** » انتظار دارد،

همانطور که با شوق از « **شیرهٔ جانِ** » خود می‌گذرند،

با این « **وارستگیِ ذاتی** » خود،

به « **همسر** » (و افراد خانواده) خود،

« **درسِ وارستگی و تزکیه** » بدهند.

تکلیف پنجم:



۳- وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ

۴- وَآتِينَ الزَّكَاةَ

۵- وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

(ای بانوان مؤمن) «خدا و رسول» او را اطاعت کنید...

بانوانِ مؤمن،

(که مأموریتشان، « آسمانی کردن نگاه و قلبِ مردان » و تقویت « شوقِ بندگی » آنهاست،)

با « **توجه** موخّدانه » و « هنرِ **جریان** ساز »،

و با « **إجازة** گرفتنیهای » زیبای خود،

باید « **اطاعت** » از « کارگزاران الهی » را

« بطور نامحسوس⁵⁴ » به همسر و فرزندانشان، بیاموزند.

پس با این « پنج تکلیف »:

بأنوان مؤمن، « ابتدا » باید:

به « **مقام وساطت** » برسند،

و « رابط » عرش الهی با فرش زمین شوند،

تا بتوانند «**شارژر**» باشند،

و افرادِ خانواده خودشان را

مشتاق و لایقِ «**بندگی**» کنند،

و آنها را

به بالاترین مراتب و درجاتِ «**إِطاعت**» برسانند.

بین « اطاعت و بندگی »،

کدام « مقدّم » است؟

« بندگی » مقدم بر « اطاعت » است:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ:

اعْبُدُوا اللَّهَ ... (نحل/۳۶)

بدون « قبول بندگی » نوبت به « اطاعت » نمی‌رسد:

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (نوح/۳)

پس « نماز و زکات »،

نشانه « بندگی »،

و « زمینه‌ساز **إِطاعت** » اند.

یعنی: انسان ابتدا باید با « **نماز** »،

« رابطه درونی » خود را با « **خالق** »،

و با « **زکات** »، « رابطه اجتماعی خود را با **خلق** »،

« تنظیم » کند و « **عبادت** » شود،

تا بتواند « **أمر معبود** » خود را « **اطاعت** » کند.

« **إبليس** » چون (با آنهمه ...) « **عبد** » نشد و « **کافر** » ماند،

أمرِ خدا را « **اطاعت** » نکرد و « **حجّت خدا** » را نپذیرفت،

لذا « محروم و ملعون » و « **رجیم** » شد:

... فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (٧٢) فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (٧٣)

إِلَّا **إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ** (ص/٧٤)

در « جمل، صفین، نهروان، مسکن و عاشوراء » هم
با اینکه « تمام افراد حاضر در آنها » ظاهراً
أهل: « نماز، روزه، نماز شب و جهاد » بودند،
اما « بیشتر آنها » چون « **متعبّد** » نشده بودند،
لذا « **اطاعت** » از « **حجّت الهی** » را نپذیرفتند،
و از هر رحمتی محروم و ملعون و « **جهنمی** » شدند.

« ثمره » این ۵ کار چیست؟

۱- وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ ۚ ۲- وَلَا تَبَرَّجْنَ... ۳- وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ ۴- وَآتِينَ الزَّكَاةَ ۵- وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ ۚ « أَهْلَ الْبَيْتِ »

وَيُطَهِّرَكُمْ ۚ تَطْهِيراً (احزاب/۳۳)

... خدا می خواهد پلیدی را از شما « اهل البيت » بزداید و شما را از هر نظر پاک کند.

« رِجْسِ » یعنی چه؟

رجس: « پلیدیهای » حاصل از:

« خودخواهی »،

و « بی‌اعتنایی به عقل و وحی »،

و هر « تخلف و گناه و قیحانه » است.

رجس: رفتارِ افرادِ « بی منطق » است:

...وَيَجْعَلُ^و الرَّجْسَ^س

عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (يونس/ ۱۰۰)

رجس: رفتارِ افرادِ « بی ایمان » است:

يَجْعَلُ^و اللَّهُ^{لِ} الرُّجْسَ^ا

عَلَى^ا الَّذِينَ^{لِ} لَا^ا يُؤْمِنُونَ^و (أنعام/ ۱۲۵)

منظور از « **أهل البيت** » چه افرادی اند؟

اگر این « دو بخش آیه » را « مرتبط با هم » بینیم:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ، وَلَا تَبَرَّجْنَ... وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ

وَأَتِينَ الزَّكَاةَ، وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ « أَهْلَ الْبَيْتِ » وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

معلوم می شود که: « **أهل البيت** »،

آنهائی اند که در آغوشِ « **بانوئی ذاکر** » به:

« طهارت اختیاری و فضائل مؤمنانه » رسیده،

و لذا لایقِ « **تطهیر الهی** » شده اند،

و از هر نوع « **پلیدی** » دور نگهداشته می شوند.

قطعاً مصداقِ اَتم و اَکملِ « **أهل البيت** »،

همان « **دُرْدانه‌های بی نظیر** » آفرینش هستند که

در دامن حضرتِ « **صدّیقه طاهره** » صلوات الله علیها،

به اوج « **توحید و نبوّت و امامت** » رسیده،

و « **انسان کامل** » و « **معصوم** » شده‌اند.

اما ظاهراً بانوان مؤمن دیگر هم می‌توانند «**أهل بیت**» پیروند:
قَالَتْ: يَا وَيْلَتَى أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلَى شَيْخاً إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

قَالُوا: أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ؟

رَحِمَتُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ **أَهْلَ الْبَيْتِ** إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (هود/۷۳)

(ساره) گفت: وای بر من آیا فرزند آورم با آنکه پیرزنم و این شوهرم پیرمرد است،

این چیز شگفتی است گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟

رحمت و برکات خدا بر شما «**أهل البيت**» باد بی‌گمان او ستوده‌ای بزرگوار است.

پس بانوانِ مؤمن می‌توانند در « **بیوت** » خود،

زمینه « **طهارت** » اهلِ خود را

به خوبی فراهم آورند،

و مقابل « **تهاجم ظاهراً عظیم احزاب** » هر زمان،

« **سدّی** » نفوذناپذیر بسازند و عاملِ اِقتدارِ حقّ شوند.

تکلیفِ ششم:



« وَ اذْكُرْ »

— (احزاب/۳۴)

و (شما بانوان إقامه کننده نماز، دهنده زکات و مطیع خدا و رسول)
باید دائماً یادآوری کنید...

پس بانوانِ مؤمن فقط باید

از « **یاد** » رفته‌ها را « **یادآوری** » کنند،

و از « **نصیحت** و **موعظه** و

و **عیبجوئی** و **شکایت** و **انتقاد** » بپرهیزند.

بہترین روش « یاد آوری »؟

ظاهراً بہترین « روش یاد آوری »،

« طرح پریش‌های مناسب » است:

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ؟

لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ؟

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟

رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ، هَلْ يَسْتَوِيَانِ؟

بانوان «چه چیزی» را
باید دائماً «یادآوری» کنند؟

ع- « وَادْكُرْنَ »

ما يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ

مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبيراً (احزاب/۳۴)

و آنچه از « آیات خدا و حکمت » در خانه‌هایتان تلاوت می‌شود را یادآوری کنید
(بدانید) که خداوند همواره دقیق و آگاه است.

« تالوت » یعنی چه؟

« تلاوت »، « تبعیت نیست »،

بلکه « توجّه » به « آیات »،

و « انعکاسِ مکرر » آنها،

و « اعلان » کردن آنهاست.

پس « بانوانِ » مؤمن، باید از اعضاء خانواده،

« آیات و حکمت‌هایی » را « مطالبه » کنند،

و از « آوردهٔ » آنها،

« غذای آسمانی » و « ایمانی تعهد آفرین »

برای « اهل بیتِ » خود بسازند.

پس « **تکلیف ششم** » بانوان مؤمن اینست که:

« **دائماً و هنرمدانه** » باید بکوشند از:

کلامِ منطقی اُھالی خانواده، با تذکّرِ مناسبِ خود،

« **باور** » بسازند و آن آیات را در اینها « **جاری** »

و به « **عمل** » درآورند.

یعنی: همانطور که اعضاء خانواده،

« موادِ خام » را به خانه می‌آورند،

و بانوانِ هنرمند،

از آنها، « غذایِ پخته » می‌سازند،

و آنان را با آن برای « تلاش » بعدی آماده می‌کنند،

در واقع « **زنان** »،

در « **بیت** » (و کندوی) پاکِ خود

باید « **عسلِ شفا بخش** » بسازند

و (به جای خانه داری) « **خانواده داری** » کنند.

با این شش تکلیف،

« رسالتِ الهی » بانوان مؤمن محقق می‌شود،

و « **بیت** » آنها، علاوه بر « **طهارتِ کامل** »،

« **نشاط** و **امید** » اهلای خود را هم تأمین می‌کند،

و⁸⁸ در « **تحوّلات جامعہ** » مؤثر و مفید خواهد بود.

«أوامرِ الهی»

به بانوان کدامند؟

تنها « **أوامر الهی** » در قرآن به « بانوان » عبارتند از:

- ۱- **وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ**.....،
- ۲- **وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ**، ۳- **وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ**،
- ۴- **وَأَتِينَ الزَّكَاةَ**، ۵- **وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ**،
- ۶- **لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ** **وَاتَّقِينَ اللَّهَ**
- ۷- **وَاذْكُرْنَ** ما يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ، { **نقش**



خدایا؛

« **نگاه** » بانوانِ مؤمن را « **آسمانی** » کن

تا بتوانند نگاهِ « **مردان** » را هم آسمانی

و افرادِ « **خانواده** » را « **متعهد** » بیروند

و زمینه ظهور آخرین حجت را فراهم آورند.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

